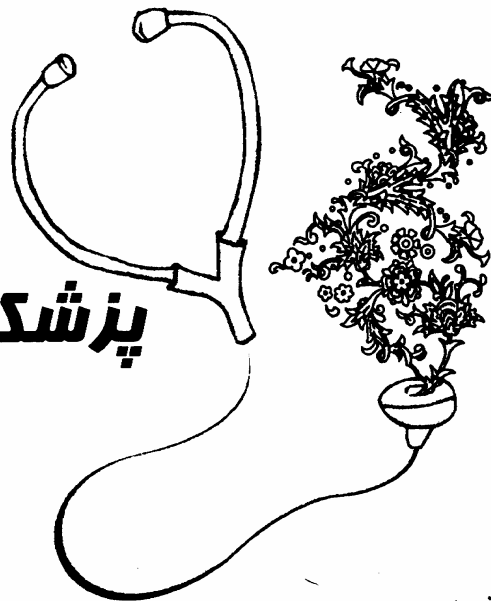


پزشکی و ادبیات



مقدمه

همکارمان آقای دکتر مجتبی طالبیان دو مطلب و یک شعر به مناسبت پانزدهم شعبان سالروز ولادت منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود (عج) برایمان ارسال کرده‌اند که به دلیل در نوبت چاپ بودن شماره‌های قبلی در موقع دریافت مطالب، در این شماره از نظرتان می‌گذرانیم. مرحوم دکتر علی شریعتی، انتظار را مکتب اعتراض می‌داند و شخص منتظر را معترض به وضع موجود و تلاشگر برای به‌وجود آوردن وضع مطلوب می‌خواند. لذا صحبت راجع به حضرتش همیشه تازه است. با این دید و با توجه به این که قول داده بودیم مطالبی از این دست را در صفحه‌ای تحت عنوان «پزشکی و ادبیات» درج کنیم، ستون این شماره را به مطالب همکارمان آقای دکتر مجتبی طالبیان اختصاص می‌دهیم، با این امید که خداوند تبارک و تعالی همه ما را از منتظران واقعی حضرت

مهدی (عج) قرار دهد.

ضمن مرور مطالب همکار خوبمان، همچون گذشته، چشم به راه مطالبی از این دست برای این ستون رازی هستیم و امید داریم که مخاطبان عزیز رازی ما را چشم به راه نخواهند گذاشت. «سردبیر»

مطلع نور

ماه پانزده، شبه دامن خود را جمع کرده،
میدان آسمان را ترک می‌گفت و هاله آن با نمای
اندوهباری همچون اشک از چشم آسمان
می‌غلطید. تاریکی اندام سنگین خود را به ماوراء
افق‌ها می‌کشید و لحظه‌ای بعد در و دیوار شهر
تاریخی سامره نقاب سیاه ظلمت را کنار زده،
سپیده دم پیشانی خود را به ریگزارهای تفتیده
صحرا و گردونه تپه‌ها می‌سایید. نسیم
صبحگاهی بوسه بر لب دجله و صورت نخلهای
پیر و جوان می‌زد. گویی دنیا می‌خواست جلال و

شکوه خاصی به خود بگیرد. اولین اشعه طلایی روز، چون تیری خون آلود سینه سیاه افق را شکافت، صدای موزن اوج گرفت و در همه جا طنین انداخت: الله اکبر، الله اکبر.

دروازه سحر باز شد، صحبتی خجسته، روزی مبارک، روزی که با تمام روزها متفاوت بوده هنوز ندای عظمت خدا گوش جان را نوازش می‌داد که در یکی از خانه‌های شهر تاریخی سامره طفلی به دنیا آمد، که او هم بلافاصله سرود عظمت خدا را به لب راند، انگشت سبابه خود را به آسمان بلند کرد و گفت الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله شادی و سرور بر همه جا دامن کشید و برق شعف از دیدگان مادر بیرون می‌زد، پدر در حالیکه موج نشاط از جام چشمانش فرو می‌ریخت چنین می‌گفت: حمد خدای سبحان را که مرا زنده نگهداشت، تا جانشینم را که از من است و در سیرت و صورت شبیه‌ترین مردم به رسول خداست، با چشم خود ببینم، خدایش او را در پشت پرده نگه می‌دارد و سپس ظاهر می‌شود و زمین را پر از عدل و داد می‌کند.

فضیلت و شرف همچون سایه‌ای سنگین، بر سر مولود بال گسترده بود، و در سیمایش موجی از لبخند در دریای اشک ثنا می‌کرد. کسی جرات نمی‌کرد به نوزاد نزدیک شود، او دنیایی از عظمت را با خود آورده بود، او پیش از آفتاب چشم به این جهان گشود، تا برای همیشه آفتاب را پشت سر قرار دهد. بدین ترتیب تولد شگفت‌انگیزترین انسان تحقق یافت و این لحظه پرشکوه در پانزدهم شعبان ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد. میلاد فرخنده آن امام همام گرامی باد.

امام زمان (ع) بهار دلها

فصل بهار به فرمان اجتناب ناپذیر الهی در نظام آفرینش، طبیعت مرده را حیات می‌بخشد و گلها و گیاهان را زنده می‌سازد. آیا برای جانهای افسرده بشر هم بهاری هست که آنها را نشاط دهد و از خرمی و شادابی برخوردار سازد؟

آیا برای دلهای مرده انسان‌ها هم بهاری هست که آنها را زندگی بخشد و از حیات معنوی بهره‌مند گرداند؟

آیا برای قلب‌های پژمرده آدمیان هم بهاری هست که آنها را طراوت بخشد و از سرچشمه آب حیات ابدی سیراب نماید؟

آری، همان گونه که در جهان تکوین بهار می‌رسد و طبیعت خاموش و مرده را زنده می‌کند، در نظام تشریح نیز بهاری وجود دارد که دلهای خزان دیده را پرشکوه می‌گرداند و مردم جان مرده و پژمرده را روح می‌بخشد.

این بهار حیات آفرین قلب‌ها، قطب عالم امکان، حضرت مهدی امام زمان علیه السلام است. چنانکه در زیارتش عرضه می‌داریم:

السلام علی ربیع الانام و نضره الایام. سلام بر بهار جهانیان و خرمی بخش روزگاران.

آیا می‌خواهید از این بهار طراوت آفرین و روح‌افزای الهی فیض ببرید و گل‌های رنگ پریده و پژمرده دل‌هایتان را پر صفا و سرشار از حیات و شادابی نمایید؟

پس با او ارتباط معنوی پیدا کنید و اندیشه و قلب خود را با آن کانون رحمت خداوندی و درگاه مهر ایزدی پیوند دهید. ذات پر عظمت حضرت بقیه‌الله، ارواحنا فداه، واسطه فیض بین خداوند تبارک و تعالی و سایر مخلوقات عالم است و

وجود قدیسیش، رحمت برای عالمیان بوده، فیض
بخش به جمیع ما سوی الله می‌باشد.

ای شیعیان، آیا وقت آن نرسیده که به خود
آییم و به وظایف خطیری که در زمان غیبت
بسرگردنمان هست و از آن غافلیم اندکی
بیاندیشیم؟

آیا تا به حال به این فکر افتاده‌ایم که با ندانم
کاریها و کج فهمی هایمان مرتکب چه خطاهای
بزرگی شده‌ایم؟

غفلت هایمان در طول این دوران باعث شده
تا مولایمان، آن نگین انکشتتری زهرا را در پس

پرده غیبت نگاه داریم.

عزیزان، والله امام زمان ما غریب است. قلبش
برای ما می‌تپد و دلش به خاطر ما مملو از رنج و
محنت است، پس بیاییم و غمهای دل آن حضرت
را از وجود مبارکش با اعمال و رفتار خنا
پسندانه خود بزداییم.

امام زمان خود را بهتر بشناسیم و دوستش
داشته باشیم و به او عشق بورزیم و شعله
پرفروغ مهرش را در دل دیگران روشن نمائیم و
مبلغ واقعی راهش باشیم.

تقدیم به ساحت مقدس حضرت مهدی (عج)

کی شود یا رب امام منتظر مهدی بیاید
آن ولی الله، غایب از نظر، مهدی بیاید
در دل ما آرزویش، بر لب ما گفتگویش
چشم مفرومان بسویش، کی ز در مهدی بیاید
دیگر ای دست دعا، برگیرد امان اجابت
تا زمان گیرد شتاب و زودتر مهدی بیاید
مسلمین را بگذرد ایام ذلت، با ظهورش
عزت اسلام باز آید، اگر مهدی بیاید
گر بهز یکروز از عمر جوان باقی بماند
اندر آن یکروز، با فتح و ظفر مهدی بیاید
قالمی برپا نفیزد، خون مظلومی نریزد
ظلم از عالم گیریزد، دلگرم مهدی بیاید
خون مظلوم شعید کربلا جوشد به عالم
از پی خونخواهی خون پدر، مهدی بیاید
طول غیبت شیعیان را بس ملال انگیز باشد
از خدا دارم تمنا کن سفر مهدی بیاید

دکتر مجتبی طالبیان